

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

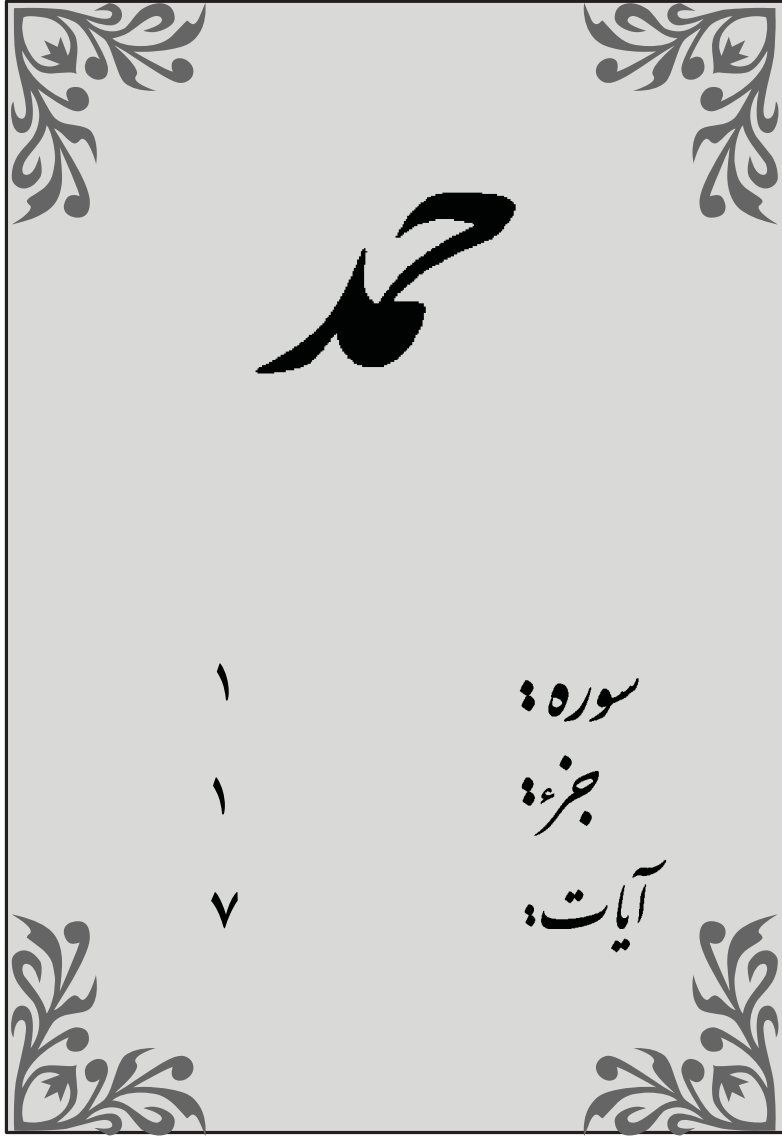


کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران

تفسیر نور

تألیف
مجتهد الاسلام والمسلمین
حاج شیخ مجتهد قزاقی

جلد اول



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای سوره حمد

سوره‌ی حمد که نام دیگرش «فاتحة الكتاب» است، هفت آیه دارد^(۱) و تنها سوره‌ای است که بر هر مسلمانی واجب است روزانه ده بار آن را در نمازهای شبانه روزی بخواند و در صورت ترک عمدی نماز او باطل است. «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»^(۲)

بنا به روایت جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم ﷺ این سوره بهترین سوره‌های قرآن است. و به نقل ابن عباس؛ سوره‌ی حمد اساس قرآن است. در حدیث نیز آمده است: اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد، تعجب نکنید.^(۳) از نامگذاری این سوره به «فاتحة الكتاب» توسط پیامبر اکرم ﷺ^(۴) معلوم می‌شود که تمام آیات قرآن در زمان رسول خدا ﷺ جمع آوری شده و به صورت کتاب در آمده است و به امر ایشان این سوره در آغاز و شروع کتاب (قرآن) قرار گرفته است.

همچنین در حدیث ثقلین می‌خوانیم که پیامبر ﷺ فرمود: «انّی تارك فيكم الثقلین

۱. عدد هفت، عدد آسمان‌ها، ایام هفته، طواف، سعی بین صفا و مروه و پرتاب سنگ به شیطان

نیز می‌باشد. ۲. مستدرک، ج ۴، ح ۴۳۶۵. ۳. بحار، ج ۹۲، ص ۲۵۷.

۴. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷.

کتاب الله و عترتی^(۱) من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم، کتاب خدا و خاندانم. از این حدیث نیز معلوم می‌شود که آیات الهی در زمان پیامبر ﷺ به صورت «کتاب الله» جمع آوری شده و به همین نام در میان مسلمانان معروف و مشهور بوده است. آیات سوره‌ی مبارکه فاتحه، اشاراتی در باره‌ی خداوند و صفات او، مسأله معاد، شناخت و درخواست رهروی در راه حقّ و قبول حاکمیت و ربوبیت خداوند دارد. همچنین به ادامه‌ی راه اولیای خدا، ابراز علاقه و از گمراهان و غضب‌شدگان اعلام بیزاری و انزجار شده است.

سوره‌ی حمد - همانند خود قرآن - مایه‌ی شفاست، هم شفای دردهای جسمانی و هم شفای بیماری‌های روحی.^(۲)

۱. بحار، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. علامه امینی رحمته الله علیه در تفسیر فاتحة الكتاب، روایات زیادی را در این زمینه نقل نموده است.

درسهای تربیتی سوره‌ی حمد

- قبل از تفسیر سوره حمد سیمایی از درسهای این سوره را ترسیم نموده و در صفحات بعد به شرح آن می‌پردازیم؛
- ۱- انسان در تلاوت سوره‌ی حمد با ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ از غیر خدا قطع امید می‌کند.
 - ۲- با ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ و ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ احساس می‌کند که مربوب و مملوک است و خودخواهی و غرور را کنار می‌گذارد.
 - ۳- با کلمه ﴿عَالَمِينَ﴾ میان خود و تمام هستی ارتباط برقرار می‌کند.
 - ۴- با ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ خود را در سایه لطف او می‌داند.
 - ۵- با ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ غفلتش از آینده زدوده می‌شود.
 - ۶- با گفتن ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ ریا و شهرت طلبی را زایل می‌کند.
 - ۷- با ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ از ابرقدرت‌ها نمی‌هراسد.
 - ۸- از ﴿أَنْعَمْتَ﴾ می‌فهمد که نعمت‌ها به دست اوست.
 - ۹- با ﴿أَهْدِنَا﴾ ره‌سپاری در راه حق و طریق مستقیم را درخواست می‌کند.
 - ۱۰- در ﴿صِرَاطِ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ همبستگی خود را با پیروان حق اعلام می‌کند.
 - ۱۱- با ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ و ﴿لَا الضَّالِّينَ﴾ بیزاری و برائت از باطل و اهل باطل را ابراز می‌دارد.

﴿ ۱ ﴾ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

نکته‌ها:

□ در میان اقوام و ملل مختلف، رسم است که کارهای مهم و با ارزش را به نام بزرگی از بزرگان خویش که مورد احترام و علاقه‌ی آنهاست، شروع می‌کنند تا آن کار میمون و مبارک گردد و به انجام رسد. البته آنان بر اساس اعتقادات صحیح یا فاسد خویش عمل می‌کنند. گاهی به نام بت‌ها و طاغوت‌ها و گاهی با نام خدا و به دست اولیای خدا، کار را شروع می‌کنند. چنانکه در جنگ خندق، اولین کلنگ را رسول خدا ﷺ بر زمین زد.^(۱)

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ سر آغاز کتاب الهی است. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه در آغاز تمام کتاب‌های آسمانی بوده است. در سر لوحه‌ی کار و عمل همه‌ی انبیا ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح عليه السلام به یاران خود گفت: سوار شوید که ﴿بِسْمِ اللَّهِ مجراها و مرساها﴾^(۲) یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. حضرت سلیمان عليه السلام نیز وقتی ملکه سبا را به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمله‌ی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾^(۳) آغاز نمود.

□ حضرت علی عليه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ»، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است. همچنین آن حضرت به شخصی که جمله‌ی «بِسْمِ اللَّهِ» را می‌نوشت، فرمود: «جودها» آنرا نیکو بنویس.^(۴)

□ بر زبان آوردن ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ در شروع هر کاری سفارش شده است؛ در خوردن و خوابیدن

۳. نمل، ۳۰.

۲. هود، ۴۱.

۱. بحار، ج ۲۰ ص ۲۱۸.

۴. کنز العمال، ح ۲۹۵۵۸.

ونوشتن، سوارشدن بر مرکب و مسافرت و بسیاری کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود، مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان‌های هدف‌دار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

در حدیث می‌خوانیم: «بسم‌الله» را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر. و روایاتی در پاداش کسی که اولین بار «بسم‌الله» را به کودک یاد بدهد، وارد شده است.^(۱)

سؤال: چرا در شروع هر کاری ﴿بسم‌الله﴾ سفارش شده است؟

پاسخ: ﴿بسم‌الله﴾ آرم و نشانه‌ی مسلمانی است و باید همه کارهای او رنگ الهی داشته باشد. همان گونه که محصولات و کالاهای ساخت یک کارخانه، آرم و علامت آن کارخانه را دارد؛ خواه به صورت جزیی باشد یا کلی. مثلاً یک کارخانه چینی‌سازی، علامت خود را روی تمام ظروف می‌زند، خواه ظرف‌های بزرگ باشد یا ظرف‌های کوچک. یا اینکه پرچم هر کشوری هم بر فراز ادارات و مدارس و پادگان‌های آن کشور است و هم بر فراز کشتی‌های آن کشور در دریاها، و هم بر روی میز اداری کارمندان.

سؤال: آیا ﴿بسم‌الله الرحمن الرحیم﴾ آیه‌ای مستقل است؟

پاسخ: به اعتقاد اهل بیت رسول الله ﷺ که صد سال سابقه بر سایر رهبران فقهی مذاهب دارند و در راه خدا به شهادت رسیده و در قرآن نیز عصمت و پاکی آنها به صراحت بیان شده است، آیه ﴿بسم‌الله الرحمن الرحیم﴾ آیه‌ای مستقل و جزء قرآن است. فخر رازی در تفسیر خویش شانزده دلیل آورده که «بسم‌الله» جزء سوره است. آلوسی نیز همین اعتقاد را دارد. در مسند احمد نیز «بسم‌الله» جزء سوره شمرده شده است.^(۲) برخی از افراد که بسم‌الله را جزء سوره ندانسته و یا در نماز آن را ترک کرده‌اند، مورد اعتراض واقع شده‌اند. در مستدرک حاکم آمده است: روزی معاویه در نماز «بسم‌الله» نگفت، مردم به او اعتراض کردند که «أسرقت أم نَیست»، آیه را دزدیدی یا فراموش کردی؟!^(۳)

امامان معصوم ﷺ اصرار داشتند که در نماز، بسم‌الله را بلند بگویند. امام باقر ﷺ در مورد

۱. تفسیربرهان، ج ۱، ص ۴۳.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۴، ص ۸۵.

۳. مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳.

کسانی که «بسم الله» را در نماز نمی خوانند و یا جزء سوره نمی شمردند، می فرمود: «سرقوا اکرم آیه»^(۱) بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند. در سنن بیهقی در ضمن حدیثی آمده است: چرا بعضی «بسم الله» را جزء سوره قرار نداده اند!^(۲)

شهید مطهری رحمته الله در تفسیر سوره حمد، ابن عباس، عاصم، کسائی، ابن عمر، ابن زبیر، عطاء، ابن طاووس، فخررازی و سیوطی را از جمله کسانی معرفی می کند که بسم الله را جزء سوره می دانستند.

در تفسیر قرطبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بسم الله» تاج سوره هاست. تنها در آغاز سوره براءة (سوره توبه) «بسم الله» نیامده و این به فرموده حضرت علی علیه السلام به خاطر آن است که «بسم الله» کلمه امان و رحمت است، و اعلام براءة از کفار و مشرکان، با اظهار محبت و رحمت سازگار نیست.^(۳)

سیمای «بسم الله»

۱. «بسم الله» نشانگر رنگ و صبغهی الهی و بیانگر جهت گیری توحیدی ماست.^(۴)
۲. «بسم الله» رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر، و قرین کردن نام خدا بانام دیگران، نشانهی شرک. نه در کنار نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او.^(۵)
۳. «بسم الله» رمز بقا و دوام است. زیرا هرچه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است.^(۶)
۴. «بسم الله» رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمان و رحیم است عشق می ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می کنیم، که بردن نام او سبب جلب رحمت است.
۵. «بسم الله» رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.
۶. «بسم الله» گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

۱. بحار، ج ۸۵، ص ۲۰. ۲. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۵۰.

۳. تفسیر مجمع البیان و فخررازی.

۴. امام رضا علیه السلام می فرماید: بسم الله یعنی نشان بندگی خدا را بر خود می نهم. تفسیر نورالثقلین.

۵. نه فقط ذات او، بلکه نام او نیز از هر شریکی منزّه است؛ «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» حتّی شروع کردن کار به نام خدا و محمد صلی الله علیه و آله ممنوع است. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۸۲.

۶. «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» قصص، ۸۸.

۷. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ مایه فرار شیطان است. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر نمی‌افتد.
۸. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.
۹. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ ذکر خداست، یعنی خدایا! من تو را فراموش نکرده‌ام.
۱۰. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ بیانگر انگیزه ماست، یعنی خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغوت‌ها و نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها.
۱۱. امام رضا علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ» به اسم اعظم الهی، از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک‌تر است. (۱)

پیام‌ها:

- ۱- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در آغاز سوره، رمز آن است که مطالب سوره، از مبدأ حق و مظهر رحمت نازل شده است.
- ۲- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در آغاز کتاب آسمانی، یعنی هدایت تنها با استعانت از او محقق می‌شود. (۲)
- ۳- ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ کلامی که سخن خداوند با مردم و سخن مردم با خدا، با آن شروع می‌شود.
- ۴- رحمت الهی همچون ذات او ابدی و همیشگی است. ﴿اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾
- ۵- بیان رحمت الهی در قالب‌های گوناگون، نشانه‌ی اصرار بر رحمت است. (هم قالب «رحمن»، هم قالب «رحیم») ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾
- ۶- شاید آوردن کلمه رحمان و رحیم در آغاز کتاب، نشانه این باشد که قرآن جلوه‌ای از رحمت الهی است، همان گونه که اصل آفرینش و بعثت جلوه

۱. تفسیر راهنما.

۲. شاید معنای اینکه می‌گویند: تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بسم‌الله، و تمام بسم‌الله در حرف (باء) خلاصه می‌شود، این باشد که آفرینش هستی و هدایت آن، همه با استمداد از اوست. چنانکه رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با نام او آغاز گردید. ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾

لطف و رحمت اوست. ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾

﴿ ۲ ﴾ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

نکته‌ها:

- «رب» به کسی گفته می‌شود که هم مالک و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد.
- خداوند هم صاحب حقیقی عالم است و هم مدبّر و پروردگار آن. پس همه هستی حرکت تکاملی دارد و در مسیری که خداوند معین کرده، هدایت می‌شود.
- علاوه بر سوره حمد، چهار سوره‌ی انعام، کهف، سبأ و فاطر نیز با جمله ﴿الحمد لله﴾ آغاز گردیده، ولی فقط در سوره حمد بعد از آن ﴿رب العالمین﴾ آمده است.
- مفهوم حمد، ترکیبی از مفهوم مدح و شکر است. انسان در برابر جمال و کمال و زیبایی، زبان به ستایش و در برابر نعمت و خدمت واحسان دیگران، زبان به تشکر می‌گشاید. خداوند متعال به خاطر کمال و جمالش، شایسته‌ی ستایش و به خاطر احسان‌ها و نعمت‌هایش، لایق شکرگزاری است.
- ﴿الحمد لله﴾ بهترین نوع تشکر از خداوند است. هر کس در هر جا، با هر زبانی، هرگونه ستایشی از هر کمال و زیبایی دارد، در حقیقت سرچشمه‌ی آن را ستایش می‌کند. البته حمد خداوند منافاتی با سپاسگزاری از مخلوق ندارد، به شرط آنکه به امر خداوند و در خط و مسیر او باشد.
- خداوند، پروردگار همه‌ی آفریده‌هاست. ﴿و هو ربّ کلّ شیء﴾^(۱) آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آنهاست، پروردگارشان اوست. ﴿ربّ السموات والارض و ما بینهما﴾^(۲) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من الجهادات والحيوانات»؛ او پروردگار جاندار و بی جان است. ﴿له الخلق والامر تبارك الله رب العالمین﴾ هم آفرینش از اوست و هم اداره‌ی آن، و او مربی و

۱. انعام، ۱۶۴.

۲. شعراء، ۲۴.

پرورش دهنده‌ی همه است.^(۱)

□ مراد از ﴿عالمین﴾ یا فقط انسان‌ها هستند، مانند آیه ۷۰ سوره حجر که قوم لوط به حضرت لوط گفتند: ﴿أَوَلَمْ نُنهَكْ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ آیا ما تو را از ملاقات با مردم نهی نکردیم؟ و یا مراد همه‌ی عوالم هستی است. «عالم» به معنای مخلوقات و «عالمین» به معنای تمام مخلوقات نیز استعمال شده است. از این آیه فهمیده می‌شود که تمام هستی یک پروردگار دارد و آنچه در جاهلیت و در میان بعضی از ملت‌ها اعتقاد داشتند که برای هر نوع از پدیده‌ها خدایی است و آن را مدبّر و ربّ التّوع آن می‌پنداشتند، باطل است.

پیام‌ها:

- ۱- همه ستایش‌ها برای اوست. ﴿الحمد لله﴾^(۲)
- ۲- خداوند در تربیت و رشد هستی اجباری ندارد. زیرا حمد برای کارهای غیر اجباری است. ﴿الحمد لله﴾
- ۳- همه هستی زیباست و تدبیر همه هستی نیکوست. زیرا حمد برای زیبایی و نیکویی است. ﴿الحمد لله﴾
- ۴- دلیل ستایش ما، پروردگاری اوست. ﴿الحمد لله ربّ العالمین﴾
- ۵- رابطه‌ی خداوند با مخلوقات، رابطه‌ی دائمی و تنگاتنگ است. ﴿ربّ العالمین﴾ (نقاش و بنا هنر خود را عرضه می‌کند و می‌رود، ولی مربّی باید هر لحظه نظارت داشته باشد.)
- ۶- همه‌ی هستی، تحت تربیت خداوند یکتاست. ﴿ربّ العالمین﴾
- ۷- امکان رشد و تربیت، در همه‌ی موجودات وجود دارد. ﴿ربّ العالمین﴾
- ۸- خداوند هم انسان‌ها را با راهنمایی انبیا تربیت می‌کند، (تربیت تشریحی) و هم جمادات و نباتات و حیوانات را رشد و پرورش می‌دهد. (تربیت تکوینی)

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. الف ولام در «الحمد» به معنای تمام حمد و جنس ستایش است.

﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

۹- مؤمنان در آغاز کتاب (قرآن) با نیایش به درگاه خداوند متعال، ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ می‌گویند و در پایان کار در بهشت نیز، همان شعار را می‌دهند که ﴿آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱)

﴿۳﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(خدایی که) بخشنده و مهربان است.

نکته‌ها:

□ خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است، ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ﴾^(۲) و رحمت او بر همه چیز سایه گسترده است. ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾^(۳) همچنین پیامبر و کتاب او مایه رحمتند، ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^(۴) آفرینش و پرورش او براساس رحمت است و اگر عقوبت نیز می‌دهد از روی لطف است. بخشیدن گناهان و قبول توبه‌ی بندگان و عیب‌پوشی از آنان و دادن فرصت برای جبران اشتباهات، همه مظاهر رحمت و مهربانی اوست.

پیام‌ها:

- ۱- تدبیر و تربیت الهی، همراه محبت و رحمت است. (در کنار کلمه «رَبِّ»، کلمه «رَحْمَن» آمده است.) ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾
- ۲- همچنان که تعلیم نیازمند رحم و مهربانی است، ﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾^(۵) تربیت و تزکیه نیز باید بر اساس رحم و مهربانی باشد. ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾
- ۳- رحمانیت خداوند، دلیل بر ستایش اوست. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

۳. اعراف، ۱۵۶.

۲. انعام، ۵۴.

۱. یونس، ۱۰.

۵. الرحمن، ۲-۱.

۴. انبیاء، ۱۰۷.

﴿ ۴ ﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

(خدایی که) مالک روز جزاست.

نکته‌ها:

□ مالکیت خداوند، حقیقی است و شامل احاطه و سلطنت است، ولی مالکیت‌های اعتباری، از سلطه‌ی مالک خارج می‌شود و تحت سلطه‌ی واقعی او نیست. ﴿مالک یوم الدین﴾
 □ با آنکه خداوند مالک حقیقی همه چیز در همه وقت است، ولی مالکیت او در روز قیامت و معاد جلوه‌ی دیگری دارد؛

* در آن روز تمام واسطه‌ها و اسباب نسبت به کفار قطع می‌شوند. ﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ السُّبُلُ﴾^(۱)
 * نسبت‌ها و خویشاوندی‌ها نسبت به کفار از بین می‌رود. ﴿فَلَا انْصَابَ بَيْنَهُمْ﴾^(۲)
 * برای کفار مال و ثروت و فرزندان، سودی ندارند. ﴿لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾^(۳)
 * بستگان و نزدیکان نیز فایده‌ای نمی‌رسانند. ﴿لَنْ نَنْفَعَكُمْ اَرْحَامَكُمْ﴾^(۴)
 * نه زبان کفار، اجازه عذر تراشی دارد و نه فکر آنها، فرصت تدبیر. تنها راه چاره لطف خداوند است که صاحب اختیار آن روز است.

□ لفظ «دین» در معانی گوناگون به کار رفته است:

الف: مجموعه‌ی قوانین آسمانی. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^(۵)

ب: عمل و اطاعت. ﴿لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾^(۶)

ج: حساب و جزا. ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

□ «یوم الدین» در قرآن به معنای روز قیامت است که روز کیفر و پاداش می‌باشد. ﴿يَسْئَلُونَ

أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ﴾^(۷) می‌پرسند روز قیامت چه وقت است؟

قرآن در مقام معرّفی این روز، می‌فرماید: ﴿ثُمَّ مَا ادْرَاكُ مَا يَوْمِ الدِّينِ . يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ شَيْئًا

و الامر يومئذ لله﴾^(۸) (ای پیامبر!) نمی‌دانی روز دین چه روزی است؟ روزی که هیچ کس

۱. بقره، ۱۶۶.	۲. مؤمنون، ۱۰۱.	۳. شعراء، ۸۸.
۴. ممتحنه، ۳.	۵. آل عمران، ۱۹.	۶. زمر، ۳.
۷. ذاریات، ۱۲.	۸. انفطار، ۱۸ - ۱۹.	

برای کسی کارآیی ندارد و آن روز تنها حکم و فرمان با خداست.

□ «مالك يوم الدين» نوعی انذار و هشدار است، ولی با قرار گرفتن در کنار آیهی «الرحمن الرحيم» معلوم می‌شود که بشارت و انذار باید در کنار هم باشند. نظیر آیه شریفه دیگر که می‌فرماید: «نبيء عبادى انى انا الغفور الرحيم . و ان عذابى هو العذاب الاليم»^(۱) به بندگانم خبر ده که من بسیار مهربان و آمرزنده‌ام، ولی عذاب و مجازات من نیز دردناک است. همچنین در آیه دیگر خود را چنین معرفی می‌کند: «قابل التوب شديد العقاب»^(۲) خداوند پذیرنده‌ی توبه مردمان و عقوبت کننده‌ی شدید گناهکاران است.

□ در اولین سوره‌ی قرآن، مالکیت خداوند عنوان شده است، «مالك يوم الدين» و در آخرین سوره، ملکیت او. «ملك الناس»

پیام‌ها:

۱- خداوند متعال، از جهات مختلف قابل عبادت است و ما باید حمد و سپاس او را به جا آوریم. به خاطر کمال ذات و صفات او که «الله» است، به خاطر احسان و تربیت او که «رب العالمين» است و به خاطر امید و انتظار رحم و لطف او که «الرحمن الرحيم» است و به خاطر قدرت و هیبت او که «مالك يوم الدين» است.

۲- قیامت، پرتوی از ربوبیت اوست. «رب العالمين... مالك يوم الدين»

۳- قیامت، جلوه‌ای از رحمت خداوند است. «الرحمن الرحيم مالك يوم الدين»

﴿۵﴾ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

(خدایا) تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم.

نکته‌ها:

- انسان باید به حکم عقل، بندگی خداوند را بپذیرد. ما انسان‌ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت، و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ همه‌ی هستی است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمان و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم، او صاحب اختیار و مالک آن روز است. پس چرا به سوی دیگران برویم؟! عقل حکم می‌کند که تنها باید او را پرستید و از او کمک خواست. نه بنده هوی و هوس خود بود و نه بنده زر و زور دیگران.
- در نماز، گویا شخص نمازگزار به نمایندگی از تمام خداپرستان می‌گوید: خدایا! نه فقط من که همه‌ی ما بنده توایم، و نه تنها من که همه‌ی ما محتاج و نیازمند لطف توایم.
- خدایا! من کسی جز تو را ندارم ﴿اِيَّاكَ﴾ ولی تو غیر مرا فراوان داری و همه هستی عبد و بنده‌ی تو هستندی. ﴿ان كل من في السموات والارض الا اتى الرحمن عبداً﴾^(۱) در آسمان‌ها و زمین هیچ چیزی نیست مگر این که بنده و فرمان بردار خداوند رحمان هستند.
- جمله ﴿نعبد﴾ هم اشاره به این دارد که نماز به جماعت خوانده شود و هم بیانگر این است که مسلمانان همگی برادر و در یک خط هستند.
- مراحل پرواز معنوی، عبارت است از: ثنا، ارتباط و سپس دعا. بنابراین اول سوره‌ی حمد ثناست، آیه‌ی ﴿اِيَّاكَ نَعْبُد﴾ ارتباط و آیات بعد، دعا می‌باشد.
- گفتگو با محبوب واقعی شیرین است، شاید به خاطر همین کلمه ﴿اِيَّاكَ﴾ تکرار شد.

پیام‌ها:

- ۱- ابتدا باید بندگی خدا کرد، آنگاه از او حاجت خواست. ﴿نعبد، نستعين﴾
- ۲- بندگی، تنها در برابر خداوند رواست نه دیگران. ﴿اِيَّاكَ نَعْبُد﴾
- ۳- گر چه عبادت از ماست، ولی در عبادت کردن نیز نیازمند کمک او هستیم.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^(۱)

- ۴- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ یعنی نه جبر است و نه تفویض. چون می‌گوییم: ﴿نَعْبُدُ﴾ پس دارای اختیار هستیم و نه مجبور. و چون می‌گوییم: ﴿نَسْتَعِينُ﴾ پس نیاز به او داریم و امور به ما تفویض نشده است.
- ۵- شناخت خداوند و صفات او، مقدمه دست‌یابی به توحید و یکتاپرستی است.
- ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾
- ۶- از آداب دعا و پرستش این است که انسان خود را مطرح نکند و خود را در حضور خداوند احساس کند. ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ...﴾
- ۷- توجه به معاد، یکی از انگیزه‌های عبادت است. ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾

﴿ ۶ ﴾ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(خداوند!!) ما را به راه راست هدایت فرما.

نکته‌ها:

- در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:
- الف: هدایت تکوینی، نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت‌های زمستانی و تابستانی. آنجا که قرآن می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^(۲) بیانگر این نوع از هدایت است.
- ب: هدایت تشریحی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.
- کلمه‌ی «صراط»^(۳) بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده است. انتخاب راه و خط فکری صحیح، نشانه‌ی شخصیت انسان است.

۱. ﴿وَمَا كُنَّا لِنَهْتِدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللهُ﴾ اگر هدایت الهی نبود ما هدایت نمی‌یافتیم. اعراف، ۴۳.

۲. طه، ۵۰.

۳. «صراط» در قیامت نام پلی است بر روی دوزخ که همه‌ی مردم باید از روی آن عبور کنند.

□ راههای غیر الهی متعددی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

* راه خواسته‌ها و توقعات‌های خود.

* راه انتظارات و هوس‌های مردم.

* راه وسوسه‌های شیطان.

* راه طاغوت‌ها.

* راه نیاکان و پیشینیان.

* راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راهها امتیازاتی دارد:
الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه‌های طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کنند.

ب: یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه‌های دیگر متعدّد و پراکنده‌اند.

ج: در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د: در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

□ راه مستقیم، راه خداست. ﴿أَنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱)

* راه مستقیم، راه انبیاست. ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۲)

* راه مستقیم، راه بندگی خداست. ﴿وَ أَنْ اِعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^(۳)

* راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. ﴿مَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۴)

* راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست.^(۵)

* راه مستقیم، کتاب خداوند است.^(۶)

* راه مستقیم، راه فطرت سالم است.^(۷)

۱. هود، ۵۶.

۲. یس، ۳ - ۴.

۳. یس، ۶۱.

۴. آل عمران، ۱۰۱.

۵. بنا بر اینکه الف و لام در «الصراط» اشاره به همان راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد.

۶. بنابر روایتی در تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۵۸.

۷. بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۶.

□ انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد. مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می‌گیرد. ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾

□ در راه مستقیم بودن، تنها خواسته‌ای است که هر مسلمان، در هر نماز از خداوند طلب می‌کند، حتی رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می‌خواهند.

□ انسان باید همواره، در هر نوع از کارهای خویش، اعم از انتخاب شغل، دوست، رشته‌ی تحصیلی و همسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد. زیرا چه بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس. پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

□ راه مستقیم مراتب و مراحل دارد. حتی کسانی که در راه حق هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیاد شدن نور هدایت، دعا کنند. ﴿والذین اهتدوا زادهم هُدی﴾^(۱)

□ راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الیمین و الشمال مضلّة و الطریق الوسطی هی الجادّة»^(۲) انحراف به چپ و راست گمراهی و راه وسط، جاده‌ی هدایت است.

□ راه مستقیم یعنی میانه‌روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می‌شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می‌داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می‌کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می‌پندارد. یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می‌داند و دیگری حتی به

۱. کسی که می‌گوید «الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم...» مراحل از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.

۲. بحار، ج ۸۷، ص ۳.

درخت و دیوار، متوسل شده و ریسمان می‌بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می‌داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می‌انگارد.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد. یکی بخل می‌ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج می‌دهد. یکی از خلق جدا می‌شود و دیگری حق را فدای خلق می‌کند.

اینگونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم معرفی می‌کند.^(۱) در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم‌السلام می‌فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.^(۲) یعنی نمونه‌ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره‌ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ... ، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.^(۳) جالب آنکه ابلیس در همین صراط مستقیم به کمین می‌نشیند.^(۴)

□ در قرآن و روایات، نمونه‌های زیادی آمده که در آنها به جنبه‌ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجه کنید:

- * ﴿كُلُوا و اشربوا و لا تسرفوا﴾^(۵) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.
- * ﴿لا تجعل يدك مغلولةً الى عنقك و لا تبسطها كل البسط﴾^(۶) در انفاق، نه دست برگردن قفل کن - دست بسته باش - و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.
- * ﴿الذین اذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً﴾^(۷) مومنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه‌رو هستند.
- * ﴿لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلاً﴾^(۸) نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته،

۱. ﴿قل ائی هدائی ربی الی صراط مستقیم﴾ انعام، ۱۶۱. ۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۲۰.
 ۳. در این باره می‌توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.
 ۴. شیطان به خدا گفت: ﴿لا تعدنّ لهم صراطک المستقیم﴾ اعراف، ۱۶.
 ۵. اعراف، ۳۱. ۶. اسراء، ۲۹. ۷. فرقان، ۶۷.
 ۸. اسراء، ۱۱۰.

بلکه با صدای معتدل بخوان.

* نسبت به والدین احسان کن؛ ﴿و بالوالدین احساناً﴾^(۱) اما اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. ﴿ان جاهدك على ان تترك بي... فلا تطعها﴾^(۲)

* پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ ﴿و كان رسولاً نبياً﴾^(۳) و هم خانواده خویش را دعوت می‌کند. ﴿و كان يأمر أهله بالصلاة﴾^(۴)

* اسلام هم نماز را سفارش می‌کند که ارتباط با خالق است؛ ﴿اقیموا الصلاة﴾ و هم زکات را توصیه می‌کند که ارتباط با مردم است. ﴿اتوا الزكاة﴾^(۵)

* نه محبت‌ها شما را از گواهی حق منحرف سازد؛ ﴿شهداء لله و لو على انفسکم﴾^(۶) و نه دشمنی‌ها شما را از عدالت دور کند. ﴿و لا یجرمکم شتتان قوم﴾^(۷)

* مؤمنان هم دافعه دارند؛ ﴿أشداء على الکفار﴾ و هم جاذبه دارند. ﴿رحماء بینهم﴾^(۸)

* هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ ﴿امنوا﴾ و هم عمل صالح. ﴿عملوا الصالحات﴾^(۹)

* هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ ﴿ربنا افرغ علينا صبراً﴾^(۱۰) و هم صبوری و پایداری در سختی‌ها. ﴿عشرون صابرون یغلبوا مأتین﴾^(۱۱) شب عاشورا امام حسین علیه السلام هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر تیز می‌کرد.

* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه‌ی خدا دعا می‌خواند و روز عید باید در قربانگاه با خون آشنا شود.

* اسلام مالکیت را می‌پذیرد، «الناس مسلطون علی اموالهم»^(۱۲) ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نمی‌دهد و آن را محدود می‌سازد. «لا ضرر و لا ضرار»^(۱۳)

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه‌ای توجه کند و جوانب دیگر را فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال و میانه‌روی و راه مستقیم را سفارش می‌کند.

۱. بقره، ۸۳.	۲. لقمان، ۱۵.	۳. مریم، ۵۱.
۴. مریم، ۱۵.	۵. بقره، ۴۳.	۶. نساء، ۱۳۵.
۷. مائده، ۸.	۸. فتح، ۹.	۹. بقره، ۲۵.
۱۰. بقره، ۲۵۰.	۱۱. انفال، ۶۵.	۱۲. بحار، ج ۲، ص ۲۷۲.
۱۳. کافی، ج ۵، ص ۲۸.		

پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا! ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾
- ۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم‌ترین خواسته‌ی یکتاپرستان است. ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ... اهدنا الصراط المستقیم﴾
- ۳- برای دستیابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾
- ۴- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. ﴿الحمد لله... اهدنا﴾
- ۵ - بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهدنا اهدنا الصراط المستقیم﴾

﴿۷﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

(خداوند! ما را به) راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود ساختی،
(هدایت کن) نه غضب شدگان و نه گمراهان!

نکته‌ها:

□ این آیه راه مستقیم را، راه کسانی معرفی می‌کند که مورد نعمت الهی واقع شده‌اند و عبارتند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین.^(۱) توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد. بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا دارد که او را در مسیر غضب‌شدگان و گمراهان قرار ندهد. زیرا بنی‌اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت گرفتار غضب شدند.

□ قرآن، مردم را به سه دسته تقسیم می‌نماید: کسانی که مورد نعمت هدایت قرار گرفته

۱. ﴿من يطع الله والرسول فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين﴾، کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آنها را نعمت داده است، از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان. نساء، ۶۹ و آیه ۵۹ سوره مریم.

و ثابت قدم ماندند، غضب شدگان و گمراهان.

- مراد از نعمت در «انعمت علیهم» نعمت هدایت است. زیرا در آیه‌ی قبل سخن از هدایت بود. علاوه بر آنکه نعمت‌های مادی را کفار و منحرفین و دیگران نیز دارند.
- هدایت شدگان نیز مورد خطرند و باید دائماً از خدا بخواهیم که مسیر ما، به غضب و گمراهی کشیده نشود.

مغضوبین در قرآن

در قرآن، افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امت‌هایی همچون قوم عاد، ثمود و بنی‌اسرائیل، به عنوان غضب‌شدگان معرفی شده‌اند.^(۱) بنی‌اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها در قرآن بیان شده است، زمانی بر مردم روزگار خویش برتری داشتند؛ «فَضَّلْتُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»^(۲) لکن بعد از این فضیلت و برتری، به خاطر رفتار خودشان، دچار قهر و غضب خداوند شدند. «و بَأَوْوا بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ»^(۳) این تغییر سرنوشت، به علت تغییر در رفتار و کردار آنان بوده است؛ دانشمندان یهود، دستورات و قوانین آسمانی تورات را تحریف کردند، «يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ»^(۴) و تجار و ثروتمندان آنان نیز به ربا و حرام‌خواری و رفاه‌طلبی روی آوردند، «اخْذَهُمُ الرَّبُّ»^(۵) و عامه مردم نیز در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، از روی تن‌پروری و ترس، از رفتن به جبهه نبرد و ورود به سرزمین

-
۱. در آیات متعددی از قرآن ویژگی‌های گمراهان و غضب‌شدگان و مصادیق آنها بیان شده است که برای نمونه به موارد ذیل اشاره می‌شود:
- * منافقان و مشرکان و بدگمانان به خداوند. نساء، ۱۱۶ و فتح، ۶.
 - * کافران به آیات الهی و قاتلان انبیاء الهی. بقره، ۶۱.
 - * اهل کتاب که در برابر دعوت به حق سرکشی کرده‌اند. آل‌عمران، ۱۱۰ - ۱۱۲.
 - * فراریان از جهاد. انفال، ۱۶.
 - * پذیرندگان و جایگزین کنندگان کفر با ایمان. بقره، ۱۰۸ و نحل، ۱۰۶.
 - * پذیرندگان ولایت دشمنان خدا و دوستانان رابطه‌ی با دشمنان خدا. ممتحنه، ۱.
 - ۲. بقره، ۴۷.
 - ۳. بقره، ۶۱.
 - ۴. نساء، ۴۶.
 - ۵. نساء، ۱۶۱.

مقدس، سر باز زدند. ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾^(۱) به خاطر این انحرافات، خدا آنان را از اوج عزت و فضیلت، به نهایت ذلت و سرافکنندگی مبتلا ساخت. ما در هر نماز، از خداوند می‌خواهیم که مانند غضب‌شدگان نباشیم. یعنی نه اهل تحریف آیات و نه اهل ربا و نه اهل فرار از جهاد در راه حق، و همچنین از گمراهان نباشیم، آنان که حق را رها کرده و به سراغ باطل می‌روند و در دین و باور خود غلو و افراط کرده و یا از هوی و هوس خود و یا دیگران پیروی می‌کنند.^(۲)

□ انسان در این سوره، عشق و علاقه و تولای خود را به انبیا و شهدا و صالحان و راه آنان، اظهار و ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ نیز برائت و دوری می‌جوید و این مصداق تولی و تبری است.

ضالین در قرآن

□ «ضاللت» که حدود دویست مرتبه این واژه با مشتقاتش در قرآن آمده است. گاهی در مورد تحیر بکار می‌رود، ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا﴾^(۳) و گاهی به معنای ضایع شدن است، ﴿أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾^(۴) ولی اکثراً به معنای گمراهی و همراه با تعبیرات گوناگونی نظیر: ﴿ضلال مبین﴾، ﴿ضلال بعید﴾، ﴿ضلال کبیر﴾ به چشم می‌خورد.

□ در قرآن افرادی به عنوان گمراه معرفی شده‌اند، از جمله: کسانی که ایمان خود را به کفر تبدیل کردند،^(۵) مشرکان،^(۶) کفار،^(۷) عصیان‌گران،^(۸) مسلمانانی که کفار را سرپرست و

۱. مائده، ۲۴.

۲. ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلِ وَأَضَلُّوا مِنْ قَبْلِ وَهُمْ أَهْلُ الْكِتَابِ سِوَا السَّبِيلِ﴾ بگو: ای اهل کتاب! در دینتان به ناحق غلو نکنید و به دنبال خواهش‌های گمراهان پیش از خود نروید، که آنان افراد زیادی را گمراه کرده و از راه راست گمراه شده‌اند.

مائده، ۷۷. ۳. ضحی، ۷. ۴. محمد، ۱.

۵. ﴿مَنْ يَتَّبِعْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ بقره، ۱۰۸.

۶. ﴿وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ نساء، ۱۱۶.

۷. ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ... فَقَدْ ضَلَّ﴾ نساء، ۱۳۶.

۸. ﴿وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ﴾ احزاب، ۳۶.

دوست خود گرفتند،^(۱) کسانی که مردم را از راه خدا باز می‌دارند، کسانی که به خدا یا رسول خدا توهین می‌کنند، آنان که حق را کتمان می‌کنند و کسانی که از رحمت خدا مأیوسند.

□ در قرآن نام برخی به عنوان گمراه کننده آمده است، از قبیل: ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسا و نیاکان منحرف.

□ گمراهان خود بستر وزمینه‌ی انحراف را فراهم و گمراه کنندگان از این بسترها و شرایط آماده، استفاده می‌کنند. بسترهای انحراف در قرآن عبارتند از: ۱. هوسها،^(۲) ۲. بت‌ها،^(۳) ۳. گناهان^(۴)، ۴. پذیرش ولایت باطل،^(۵) ۵. جهل و نادانی.^(۶)

پیام‌ها:

- ۱- انسان در تربیت، نیازمند الگو می‌باشد. انبیا، شهدا، صدیقین و صالحان، نمونه‌های زیبای انسانیت‌اند. ﴿صراط الّذین انعمت علیهم﴾
- ۲- آنچه از خداوند به انسان می‌رسد، نعمت است. قهر و غضب را خود به وجود می‌آوریم.^(۷) ﴿انعمت، المغضوب علیهم﴾
- ۳- ابراز تنفر از مغضوبان و گمراهان، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان، مقاوم و پایدار می‌کند. ﴿غیر المغضوب علیهم ولا الضّالّین﴾^(۸)

-
۱. ﴿لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء... و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل﴾ ممتحنه، ۱.
 ۲. ﴿اتخذ الله هواه واضلّه الله﴾ جائیه، ۲۳.
 ۳. ﴿جعلوا لله انداداً لیضلوا عن سبیله﴾ ابراهیم، ۳۰.
 ۴. ﴿وما یضلّ به الا الفاسقین﴾ بقره، ۲۶.
 ۵. ﴿آته من تولّاه فآته یضلّه﴾ حج، ۴.
 ۶. ﴿و ان کنتم من قبله لمن الضّالّین﴾ بقره، ۱۹۸.
 ۷. درباره نعمت ﴿انعمت﴾ بکار رفته، ولی در مورد عذاب، نفرمود: ﴿غضبت﴾ تو غضب کردی.
 ۸. قرآن سفارش کرده است: ﴿لا تتولّوا قوماً غضب الله علیهم﴾ هرگز سرپرستی گروه غضب شدگان الهی را نپذیرید. ممتحنه، ۱۳.